



شعر چیست؟ جهان‌های موازی

این حرف‌ها نیست
آموزش شعر
راهی‌ست کوتاه و میان‌بر
تا چشمه‌های جوشش شعر
شعر چیست؟
جهان‌های موازی

شعر چیست؟
تفکر، احساس یا زبان بازی؟
هر چه هست، دنیای متفاوتی است
مثل جهان‌های موازی

اگر می‌خواهی شعر بگویی
باید شعر نگفتن را بلد باشی
مثل لحظات سکوت قلم‌مو
در فضای یک نقاشی

شاعر با زیبایی
دوستی دیرینه دارد
همان‌طور که زیبایی
رابطه‌ای قدیمی با آئینه دارد
شاعر حرفه‌ای
مثل پزشک زنان می‌ماند
وقتی ذوق زیبایی‌شناسی کور شود
چه حاجت به بیان می‌ماند؟!

همه می‌گویند
شاعری آب و نان ندارد
اما دنیا بدون شعر
فرقی با زندان ندارد

زمانی تو یک شاعر واقعی هستی
که دیگران شعرهایت را خواب ببینند
نه این‌که فقط در مجله و کتاب ببینند

هر که می‌خواهد شاعر شود
این جمله را بنویسد
بر روی دستش
با خودکار قرمز:

«عمر خود را تلف کن
اما لحظات خود را هرگز!»

شعر

اتفاقی است که در جان انسان می‌افتد
مثل همان اتفاقی
که برای کرم ابریشم و پیله آن می‌افتد

سرودن شعر

یعنی یک جور دیگر سخن گفتن
یا مثل شقایقی
کنار خیابان شکفتن
شعر ناب
همه چیزش در اوج کمال است
مثل تناسبی که در ترکیب یک بال است

فرق شعر با داستان چیست؟

هر دو نشانه‌ای هستند از آفرینندگی
اما شعر زندگی چکیده است
و داستان چکیده زندگی



نمونه‌ای از تبدیل شاعر به شعر

گویای بی‌زبان!

آه، چه بی‌رنگ و بی‌نشان که من‌ام
کی ببینم «مرا» چنان که من‌ام؟
گفتی اسرار در میان آور!
کو میان، اندر این میان که من‌ام؟
کی شود این روان من ساکن
این چنین ساکن روان که من‌ام
بحر من غرقه گشت هم در خویش
بوالعجب بحر بی‌کران که من‌ام
این جهان، وان جهان مرا مطلب
کین دو گم شد در آن جهان که من‌ام
گفتم: آئی، بگفت: های خموش!
در زبان نامدست «آن» که من‌ام
گفتم اندر زبان چو درنامد
اینت گویای بی‌زبان که من‌ام!

(مولوی)